

واکنش حوزه علمیه به کشف حجاب

۶ اسفند ۱۴۰۱ ساعت ۱۷:۴۳

اسیری با اعتراض به این مسئله، به تقبیح اقدامات حکومت در ترویج بی‌حجابی پرداخت. اعتراضاتی که ضرب و شتم او از سوی عوامل حکومت و در نهایت زندانی شدن او را به دنبال داشت. «بی‌حرمتی به یک عالم دینی و حبس وی، موجی از اعتراضات را در کشور به ویژه در حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تبریز که از جمله حوزه‌های فعال آن روز بودند، به دنبال داشت.

وقتی قانون کشف حجاب از سوی رضاشاه مطرح شد، جدی‌ترین واکنش به آن از سوی حوزه علمیه و از طرف روحانیون شکل گرفت. واکنش حوزه علمیه به سیاست کشف حجاب، متفاوت بود. علاوه بر واکنش جمعی، برخی از روحانیون، خود پیشگام مبارزه شدند و دست به اعتراضات گسترده زدند. البته اعتراضات تنها به حوزه علمیه قم محدود نبود، بلکه حوزه علمیه شهرهای مختلف از جمله مشهد، تبریز و... نیز دست به اعتراضات گسترده زدند. شرح این اعتراضات و نحوه آن موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

اولین اعتراضات به کشف حجاب

اولین اعتراضات جدی به کشف حجاب از سوی روحانیون، بعد از برگزاری یک جشن شادی و پایکوبی در شیراز اتفاق افتاد. این جشن در فروردین سال ۱۳۱۴ و با حضور برخی از مسئولین دولتی و حکومتی مانند علی‌اصغر حکمت اتفاق افتاد. ظاهراً در این جشن، برخی از دختران بدون حجاب حاضر شده بودند. این اتفاقات نگرانی و واکنش شدید برخی از علما را به دنبال داشت.

حسام‌الدین فال اسیری از روحانیون حامی آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، از جمله این افراد بود.

اسیری با اعتراض به این مسئله، به تقبیح اقدامات حکومت در ترویج بی‌حجابی پرداخت. اعتراضاتی که ضرب و شتم او از سوی عوامل حکومت و در نهایت زندانی شدن او را به دنبال داشت. «بی‌حرمتی به یک عالم دینی و حبس وی، موجی از اعتراضات را در کشور به ویژه در حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تبریز که از جمله حوزه‌های فعال آن روز بودند، به دنبال داشت. در تبریز دو مرجع عالی‌قدر، سیدابوالحسن انگجی و میرزاصادق آقا به تغییر لباس و کلاه شاپو اعتراض کردند و به سمنان تبعید شدند. با رسیدن این

اخبار به شهر مذهبی مشهد، علما و مردم حیرت‌زده شدند و غوغایی برپا شد. علما نگران شده و به چاره‌جویی پرداختند.»

بعد از آن، علما به فکر چاره‌جویی برآمدند و جلساتی برای گفت و گو پیرامون این موضوع ترتیب دادند. در این جلسات که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله سید یونس اردبیلی و آقازاده فرزند آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و جمعی دیگر از علما و مدرسین درجه اول مشهد شرکت داشتند، مسئله تغییر لباس مطرح و اظهار عقیده می‌کنند که دنباله تغییر لباس به برداشتن حجاب منتهی

خواهد گردید و باید با شدت از آن جلوگیری نمایند ۲

نتیجه کلی این جلسات، صدور اعلامیه‌های اعتراضی بود که به اشکال مختلف میان مردم منتشر شد. اما رضاشاه بدون توجه به این اعلامیه‌ها، پروژه کشف حجاب را گام به گام پیش برد. اولین گام، با طرح سیاست اجباری کردن کلاه شاپو یا فدورا برداشته شد این سیاست، قیام گوهرشاد را به دنبال داشت. قیام گوهرشاد، به بدترین شکل ممکن سرکوب شد. بعد از قیام گوهرشاد، آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی که در همین سال‌ها پس از ملاقات و مشاوره با آیت‌الله حائری وارد مشهد می‌شود با اطلاعی که از جریان امور تهران دارد به آیت‌الله قمی می‌گوید: «این مرد گوشش از تلگراف‌ها پر است. اگر اثری داشته باشد حرکت خود شما است باید به تهران حرکت کنید و با او ملاقات نموده و به او بگویید من همان کسی هستم که هر وقت به مشهد مقدس می‌آمدی و سعی می‌نمودی با من ملاقات نمایی نمی‌پذیرفتم. اما امروز با پای خودم به تهران آمده‌ام چون حساب اسلام در کار است از اسلام و نوامیس اسلام دفاع نمایم.»^۳

در کنار اقدامات عملی که با اعتراضات گسترده همراه بود، اقدامات فرهنگی نیز از سوی برخی از روحانیون در دستور کار قرار گرفت. از جمله این اقدامات می‌توان به انتشار رساله‌ها و یا ترجمه‌هایی پیرامون حجاب و ضرورت آن اشاره کرد. برخی از مهم‌ترین رساله‌هایی که در آن دوره نوشته شدند عبارتند از:

۱. رساله در حجاب، تألیف: شیخ محمدکاظم بن محمدسعید، ۱۳۴۵ ق در تهران؛

۲. رسالت الحجاب، تألیف: سید فاضل هاشمی بروجردی همدانی، ۱۳۴۶ ق در کرمانشاه؛

۳. حکمت الحجاب و ادله وجوب النقاب، مؤلف نامعلوم، ۱۳۴۹ ق در تهران؛

۴. رد کشف حجاب و وجوب حجاب به حکم عقل و تصریحات کتاب و سنت اسدالله خرقانی، ۱۳۵۱ ق در تهران؛

۵. رساله حجابیه، تألیف: سید علی امامی تفرشی، ۱۳۵۳ ق در تهران؛

۶. ترجمه کتاب فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب، تألیف: شیخ غلامحسین تهرانی^۴

تشویق مردم به رعایت حجاب و مخالفت در برابر خواست رضاشاه به خصوص در مناطق محروم و یا در ولایات که نسبت به حجاب حساس‌تر بودند، از دیگر اقدامات فرهنگی روحانیون بود. بر این اساس روحانیون آشکار و پنهان به مخالفت با اجرای کشف حجاب پرداختند و مردم را نیز تشویق کردند که مانع از حضور دختران و همسران خود در اجتماع، به شیوه‌ای که رضا شاه می‌خواست، گردند. به گواهی اسناد به جای مانده، مانع اصلی بر سر راه پیشرفت کشف حجاب در ولایات، روحانیون بودند. از این رو، رژیم نسبت به مخالفت روحانیت، حساسیت بیشتری از خود نشان میداد و هرگونه مخالفت ایشان را مخالفت عموم قلمداد می‌کرد. بنابراین، از هیچ فرصتی برای برخورد، اعمال فشار و در محدودیت قرار دادن آنها خودداری نمی‌ورزید.^۵

تصویب قانون کشف حجاب و واکنش روحانیون

علیرغم تلاش‌ها و اقدامات روحانیون در مخالفت با سیاست کشف، رضاشاه دومین مرحله سیاست خود را که همان برداشتن اجباری چادر از سر زنان بود اجرا کرد. این اقدام اعتراض و ناراحتی بسیاری از مردم و علما را به دنبال داشت. البته آیت‌الله حائری پیش از آن و با تلگرافی تلاش کرده بود تا مانع از اقدام رضاشاه در این زمینه شود. ایشان در تلگراف خود یادآور شده بودند «... احقر همیشه تعالی و ترقی دولت علیه را منظور داشته و اهم مقاصد میدانسته، فعلاً هم به همین منظور عرضه می‌دارد: اوضاع حاضره که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری(ج) است، موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است...»^۶

تلگراف آیت‌الله حائری باعث شد تا علاوه بر همراهی و بیداری سایر روحانیون منفعل، برخی از مقامات دولتی نیز تا حدودی عقب‌نشینی نمایند. اما رضاشاه با حضور در منزل آیت‌الله حائری با ارباب و تهدید صراحتاً اعلام کرد که چون در کشور ترکیه کشف حجاب شده و به اروپا ملحق گردیده؛ در ایران نیز باید کشف حجاب صورت گیرد. به دنبال آن عده‌ای از روحانیون به جرم تحریک آیت‌الله حائری تبعید شدند. ۷

کسانی چون آیت‌الله کاشانی از جمله شخصیت‌هایی بودند که با شیوه خاص خود در برابر این قانون ایستاد. ایشان جز کسانی بودند که برای روحانیون مجوز داشتن لباس روحانیت صادر می‌کرد و بر اساس همین اختیاری که داشت، بسیاری از علما و روحانیون محترم تهران و شهرستان‌ها موفق شدند لباس روحانیت خود را حفظ کنند. آیت‌الله کاشانی همچنین در مقابله با پدیده کشف حجاب برخوردی جدی داشت و توانست از اجرای بسیاری از توطئه‌ها در این زمینه جلوگیری نماید. ۸ در کنار اقدامات اعتراضی روحانیون، حوزه‌های علمیه مشهد، قم، تبریز شیراز با صدور اعلامیه‌های اعتراضی به مخالفت با این سیاست پرداختند؛ اما به دلیل بعد مستبد بودن رضاشاه، موفق به الغای قانون نشدند. با این حال، با پیگیری اعتراضات روحانیون و گروه‌های مذهبی، قانون کشف حجاب بعد از فروپاشی حکومت پهلوی اول، لغو شد.

منابع

۱. حسن شمس‌آبادی، قیام گوه‌رشاد، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفتم، شماره ۲۹، (تابستان ۱۳۸۹) صص ۱۱۹-۱۲۰.
۲. همانجا.
۳. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۲۴۶.
۴. سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۳۷.
۵. مهدی صلاح، کشف حجاب زمینه‌ها، واکنش‌ها و پیامدها، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹.
۶. سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، همان، ص ۳۸.
۷. همانجا.
۸. علی قاضی‌عسگر، همراه با خلیل: گزارش سفر حج مرحوم آیت‌الله کاشانی در سال ۱۳۳۱، تهران، مشعر، ۱۳۸۴، ص ۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49100/حجاب-کشف-علمیه-حوزه-واکنش/>